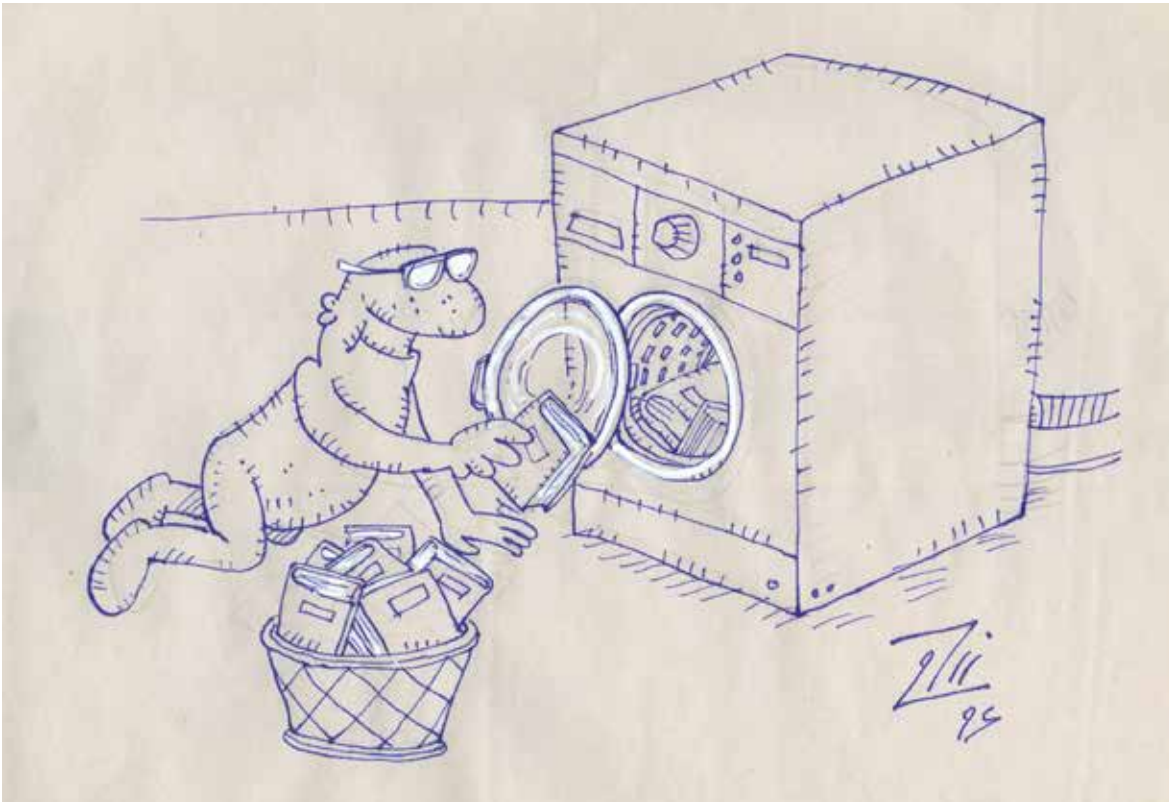


چگونه مهارت‌های نویسندگی خود را تقویت کنیم



سطح پایه: در این سطح فرد می‌تواند حرف‌های روزمره خود را در محیط کار و زندگی شخصی به شکل مکتوب به دیگران منتقل کند، اما در انتقال بحث‌های مهم و حساس یا تنش‌های عاطفی مشکل دارد.

سطح میانی: در این سطح فرد می‌تواند پیام‌ها و حرف‌های ساده را اگر پیچیدگی خاص و یا حجم زیادی نداشته باشند، به شکلی درست و مرتب با حداقل خطا تنظیم کند، اما اگر مطالب قدری پیچیده‌تر و یا طولانی‌تر شد، دیگر نمی‌تواند به آن‌ها ساختار مناسب دهد.

سطح پیشرفته: در این سطح فرد می‌تواند چیزی را به خوبی توصیف کند و با گفت‌وگوی بین دو نفر را با دقت تنظیم نماید و یا نوشته‌ای را متناسب با نیاز مخاطب تولید و آن را ویرایش و تنظیم کند.

سطح خبرگی: در این سطح فرد می‌تواند به دیگران آموزش دهد که چگونه افراد از سطح پایه به سمت میانی و پیشرفته حرکت کنند.

«مهارت ارتباط نوشتاری»، از زیرمجموعه‌های «مهارت‌های ارتباطی» محسوب می‌شود. این مهارت بر خلاف ظاهرش مهارتی پیچیده است که به یادگیری و تمرین مستمر نیاز دارد.

واژگان کلیدی: مهارت نوشتاری، مهارت ارتباطی، نویسندگی

مهارت ارتباط نوشتاری یعنی اینکه شما بتوانید پیام خود را (شامل ایده‌ها، فکرها، خاطره‌ها، تجربه‌ها، دیدگاه‌ها و مفاهیم) به شکلی شفاف، سازمان یافته و با ساختار مناسب و متناسب، از طریق نامه، پست الکترونیکی، مقاله، نوشته‌های کوتاه، کتاب، گزارش نویسی، وبلاگ و یا شبکه‌های اجتماعی به مخاطبان منتقل کنید یا اینکه آن‌ها را ثبت کنید و در آینده، خودتان آن نوشته را مورد استفاده قرار دهید.

«نوشتن» برقراری ارتباط و انتقال اطلاعات و اعتقادات از طریق نظامی از نشانه‌های نوشتاری است. نوشتن نوعی آفرینش و خلاقیت است که در یک طرف آن خلق فکرها و اندیشه‌ها و در طرف دیگر خلق و نظم‌بخشی این اندیشه‌ها در قالب‌های زبانی مورد نظر است. نوشتن، یکی از مهارت‌های چهارگانه زبان‌آموزی است و یکی از چهار کلیدی‌گیری محسوب می‌شود. مهارت‌های نوشتاری دارای چهار سطح هستند:

نویسنده کیست و نویسندگی چیست؟

نویسنده کسی است که دیدگاهی نو یا نگاهی نو را با نگارشی نو، به خواننده انتقال می‌دهد. نویسندگی نیز بر سه پایه استوار است:

۱. هنر خوب حس کردن (به‌ویژه خوب دیدن و خوب شنیدن)؛
۲. هنر خوب اندیشیدن؛
۳. هنر خوب نوشتن.

بسیاری از نویسندگان بزرگ همچون جوان دیدیون (نویسنده و روزنامه‌نگار معروف آمریکایی) و دُن دلیلو (نویسنده و روزنامه‌نگار معروف آمریکایی، برنده جایزه پِن و فالکنر) هدفشان از نوشتن را، نظم بخشیدن به افکار خود عنوان کرده و روند نگارش را چیزی شبیه آشنا شدن با عملکرد ذهن خود توصیف کرده‌اند. هانتز اس. تامپسون در یکی از مقاله‌های خود در سال ۱۹۵۸ نوشت: «من متوجه شده‌ام با نوشتن می‌توانم چیزهایی را که درباره‌شان می‌نویسم، بهتر درک کنم و آن‌ها را بسیار عینی‌تر از گذشته بیابم. واژه‌ها صرفاً ابزارند؛ ابزاری که اگر درست به کار گرفته شوند، حتی قادرند به زندگی شما نظم و ترتیب بدهند.»

برای تقویت مهارت‌های نویسندگی توجه به رهنمودهای زیر از اهمیت بالایی برخوردار است:

کتاب زیاد بخوانید

نویسنده‌ی یعنی پرخوانی. نویسندگی یعنی خوب حرف زدن و طولانی حرف زدن. نویسندگی یعنی توجه به جزئیات و تحلیل موشکافانه. اساساً توجه به همین جزئیات و باریک‌بینی است که نویسنده را از بقیه متمایز می‌کند. نویسندگی یعنی خوب لمس کردن زندگی. به قول ری برادبری: «نویسنده خوب کسی است که زندگی را با همه احساساتش به خوبی لمس کند.» نویسنده کسی است که دائماً وسوسه خواندن متن‌های جدید و معاصر، و نیز خواندن متن‌های کلاسیک را دارد و از هر کس چیزی یاد می‌گیرد. نویسنده زیاد می‌خواند و زیاد می‌نویسد، اما کارهای خود را نیمه تمام رها نمی‌کند و هر طور شده می‌کوشد که کارهایی را که شروع کرده است، به آخر برساند. استیون کینگ می‌گوید: «مطالعه، مرکز خلاقیت هر نویسنده است. مطالعه و کتاب، دوستان همیشگی نویسنده هستند. نویسنده نه یک فرد پرخوان، بلکه باید یک کتاب‌خوار باشد!» ۹۹ درصد رمان‌نویس‌ها معتقدند که خواندن یکی از دلایل اصلی تقویت مهارت نویسندگی است.

همان‌طور که هر ورزشکاری برای یاد گرفتن تکنیک‌ها باید بازی قهرمانان رشته خود را تماشا کند، هر نویسنده‌ای هم برای اینکه نوشتن را یاد بگیرد باید آثار نویسندگان بزرگ را مطالعه کند. چرخ زدن در دنیای مجازی و خواندن نوشته‌هایی که دوستان و آشنایان در شبکه‌های مجازی به اشتراک می‌گذارند، هیچ چیز ارزشمندی به شما یاد نمی‌دهد. در عوض سعی کنید با خواندن مقالات خبری که به خوبی ویرایش شده‌اند، توانایی‌های نویسندگی خود را بالا ببرید. خواندن داستان نیز خلاقیت رهبران و کارمندان را افزایش می‌دهد. بنابراین با راه‌اندازی نشست‌های کتاب‌خوانی به

صورت ماهانه، آن‌ها را به کتاب خواندن تشویق کنید. نویسنده کسی است که وقتی از نوشتن خسته می‌شود، کتاب می‌خواند و زمانی که از کتاب خواندن خسته می‌شود، می‌نویسد.

متنوع بخوانید

نویسنده کسی است که متنوع می‌خواند. او هم کتاب داستانی می‌خواند و هم غیرداستانی. مطالعه کتاب‌های تاریخی، سیاسی، روان‌شناسی، فلسفه، جغرافیا، دینی، اخلاقی، عرفانی، رمان و جامعه‌شناسی از کارهای همیشگی هر نویسنده است.

زیاد تمرین کنید

نویسنده کسی است که هر روز و در هر فرصتی می‌نویسد. نویسنده یعنی کسی که مدام کار می‌کند و مرتباً کار خود را بازنویسی می‌کند. ارنست همینگوی، اینکه توانایی زیادی در نوشتن داشت، کتاب «وداع با اسلحه» را ۴۰ بار بازنویسی کرد. نویسنده کسی است که هم می‌تواند ساده بنویسد و هم پیچیده. او سعی می‌کند که خودش را با مخاطب تنظیم کند. نویسنده کسی است که هم با مداد می‌نویسد و هم با خودکار و هم پشت رایانه. او در همه جا می‌نویسد، حتی در حمام! یا اگر ناگهان از خواب بیدار شده و چیزی به ذهنش رسید، کاغذ و قلم را برمی‌دارد و آن را یادداشت می‌کند و بعد می‌خواند.

نویسنده کسی است که دائماً در حال دیدن وقت و استفاده از فرصت برای نوشتن است. توانایی مدیریت زمان مهارتی است که نویسنده به خوبی از آن استفاده می‌کند. آنتونی ترالاب، رمان‌نویس مشهور، هر ۱۵ دقیقه ۳۰۰ کلمه می‌نوشت. او با همین معیار و اندازه‌گیری دقیق می‌توانست روزی سه ساعت بنویسد؛ آن هم قبل از رفتن به اداره پست. او کارمند اداره پست بود. او با همین روش به یکی از پرکارترین نویسندگان تاریخ تبدیل شد.

نویسنده از نوشتن نمی‌ترسد

هیچ ورزشکار، سخنران، نوازنده و بازیگری بدون تمرین کردن نمی‌تواند مهارت‌های خود را افزایش دهد. رهبران کسب‌وکار فرصت‌های زیادی برای نوشتن و باز خورد گرفتن دارند. مقالات مرتبط با صنعت، پست‌های وبلاگ و دیگر محتواهایی که از سوی شما منتشر می‌شوند، فرصت مناسبی برای تمرین در نویسندگی و افزایش نفوذ شما هستند. هر قدر کیفیت محتوایی که تولید می‌کنید بالا رود، خوانندگان بیشتر جذب نوشته‌های شما می‌شوند. سعی کنید خودتان را برای نوشتن به چالش بکشید و هر ماه حداقل یک متن ۷۰۰ کلمه‌ای بنویسید. سپس از همکارانتان بخواهید که متن شما را از لحاظ نوشتاری و دست‌ورزبان به دقت بررسی کنند و ایرادهای آن را به شما بگویند.

زاویه دید خود را در نوشتن مشخص کنید

نویسنده فردی است که زاویه دید دارد. اگر اول شخص می‌نویسید، سعی کنید دوم شخص و سوم شخص را هم امتحان کنید.

اول شخص: من هر روز ۱۵ دقیقه می‌نویسم.

دوم شخص: تو از هر وقت اضافه‌ای که پیدا می‌کنی، برای نوشتن استفاده می‌کنی.

سوم شخص: او دیوانه نوشتن است و برای فرار از سر و صداهای توی خانه در پشت‌بام و یا داخل پارک و کتابخانه می‌نویسد.

آرام آرام و به تدریج در نوشتن جلو بروید

نویسنده گام به گام، و پله به پله جلو می‌رود. او ابتدا با کلمه‌ها جمله می‌نویسد و بعد با استفاده از جمله‌ها پاراگراف و در نهایت با پاراگراف‌ها متن را می‌سازد. معروف است که ریچارد براتیگان هفت سال تمرین کرد تا نوشتن جمله‌ها را به شکل درست یاد بگیرد. ابتدا از ساده‌نویسی شروع کنید و بعد آن را کمی پیچیده کنید.

آلبرت اینشتین می‌گوید: «اگر مطلبی را متوجه شده باشید، باید بتوانید آن را برای یک کودک شش ساله توضیح دهید.» فرض کنید مخاطبان شما همه کودک هستند؛ کودکانی بی‌صبر که به آسانی حواسشان پرت می‌شود و اصلاً حوصله کلمات سخت را ندارند. می‌توانید در دنیای واقعی با کودکان صحبت کنید. مثلاً به کودکی نوپا شغل خود را توضیح دهید. خیلی سریع خواهید دید که صحبت کردن شما جذاب و واضح است یا نه.

«یکی از بدترین بلاهایی که ممکن است نویسنده سر نوشته خودش بیاورد این است که لغت‌ها را بیچاند و چون از کلمات کوتاه و ساده راضی نیست، دنبال کلمه‌های طولانی و قلمبه‌سلمبه بگردد!» این کار مثل بزک کردن یک حیوان خانگی است. در این صورت، هم حیوان و هم صاحبش معذب می‌شوند.

همان‌طور که دیوید آگلیون، تاجر سرشناس، در یادداشتی به کارمندانش نوشته است: «هرگز کلمه‌های تخصصی مثل بازتفهیم، تطورگرایی، فرمالیسم، اگزستانسیالیسم و ... را به کار نبرید. این‌ها نشانه‌های مشخص تظاهر و پرمدا بودن هستند.» به‌علاوه تا لازم نشده است، نمادها را به کار نبرید. استیون کینگ می‌نویسد: «نمادها برای زیبا و غنی کردن نوشته هستند، نه برای تصنعی کردن آن.»

هدف خود را از نوشتن مشخص کنید

قبل از اینکه بنشینید و چیزی بنویسید، از خودتان پرسید: چرا دارم می‌نویسم؟ از نوشته خود چه نتیجه‌ای می‌خواهید بگیرید؟ می‌نویسید که زندگی کسی را بهتر کنید یا اینکه منتقد درون خود را ساکت کنید؟ بهترین نوشته‌ها همیشه هدفی کاملاً واضح دارند. اول هدف خود را انتخاب کنید و بعد کار را ادامه دهید.

موضوع نوشتن خود را مشخص کنید

نویسنده برای نوشتن موضوع دارد. هیچ‌گاه فکر در خلأ ورزیده نمی‌شود. ابتدا باید موضوع را پیدا کنید و بعد به کمک کلمه‌ها روی موضوع پردازش ذهنی کنید.

برای دل خودتان بنویسید

برای رضایت خاطر و لذت خودتان بنویسید. همان‌طور که استیون کینگ می‌گوید: «من این کار را به خاطر لذت خالصی که در آن هست انجام می‌دهم. اگر شما هم بتوانید این کار را به خاطر لذتش انجام بدهید، همیشه نویسنده خواهید بود.»

کورت ونه‌گوت نویسنده هم نظر مشابهی دارد: «موضوعی پیدا کنید که برای شما اهمیت دارد و قلباً احساس می‌کنید دیگران هم باید به آن اهمیت بدهند. تأثیرگذارترین و مسحورکننده‌ترین جنبه سبک نوشتاری شما هم همین توجه خالصانه است، نه بازی با کلمه‌ها.»

گاهی وقت‌ها به زبانی دیگر بنویسید تا نویسنده شوید

هاروکی موراکامی، نویسنده مطرح ژاپنی، به نکات جالبی اشاره می‌کند. او می‌گوید در اوایل ورودش به رمان‌نویسی، با اینکه تسلط زیادی به زبان انگلیسی نداشته، رمان‌هایش را به انگلیسی می‌نوشت و بعد آن‌ها را به زبان ژاپنی ترجمه می‌کرده است. همین موضوع باعث شد او به نثر ساده و مختص خودش برسد. با نوشتن به زبان انگلیسی حتی به صورت دست و پا شکسته هم مهارت نگارش به زبان انگلیسی را در خودمان تقویت می‌کنیم و هم به حساسیت و تسلط بیشتری روی کلمه‌های فارسی می‌رسیم.

زیاد مسافرت کنید

با مسافرت کردن برای نوشتن موضوع پیدا می‌کنید. شما در طول سفر با آدم‌ها، فرهنگ‌ها و شیوه‌های گوناگون زندگی دیگران آشنا می‌شوید. تجربه‌های تازه‌ای یاد می‌گیرید و احتمالاً در یک سلسله حوادث درگیر می‌شوید. گردشگری همواره، بهترین الهام‌بخش برای مسافرت افراد بوده است. «داستان گیلگمش» قهرمان سومر، «ایلیاد و اودیسه» اثر هومر، تاریخ هروودت، سفرنامه سلیمان تاجر، سفرنامه مارکوپولو، «گلستان سعدی»، سفرنامه ناصر خسرو و «رحله» ابن بطوطه و صدها سفرنامه دیگر حاصل گردشگری در سرزمین‌های دیگر بوده‌اند.

گاهی وقت‌ها درباره نوشته‌ها بنویسید

نوشتن درباره نوشته‌ها یکی از روش‌هایی است که نگاه فرد را به نوشتن شفاف‌تر می‌کند. همچنین او را برای نوشتن بیشتر مصمم‌تر می‌سازد و به خودش کمک می‌کند تا آموخته‌هایش بیشتر شوند.

منابع

۱. کینگ، استیون (۱۳۹۶)، چگونه نویسنده شویم؟ ترجمه مینا بردبار.
۲. خبرگزاری کتاب ایران (۱۳۹۳)، سیزده راه برای حرفه‌ای شدن در نویسندگی به روایت نویسندگان بزرگ جهان.
۳. رهبر، کاظم (۱۳۹۵)، ۱۰۰ روش از ۱۰۰ نویسنده، نشر خورشید.
۴. مجله پرسمان (خرداد ۱۳۸۷)، نویسندگی چیست و نویسنده کیست شماره ۶۵، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه.
۵. تابش هروی، سعادتملوک (۱۳۹۵)، راز و رمز نویسندگی، انتشارات کتاب سبز.